سرمقاله

حکمرانی جدید و بازنگری در ساختارهای کشور

ادامه از صفحه یک

انتظار می رود دومین مرحله بعثت که با شهادت امام عظیم الشان انقلاب اسلامی و یاران باوفای ایشان از دانشمندان و جنگاوران تا... دانش آموزان، رخ نمود و این بار جلوه هایی از عظمت ملت ایران و همبستگی جبهه مقاومت و حتی گسترش این جبهه به خارج از مرزهای اسلام و ایران را به نمایش گذاشت.

این بعثت به بخش های مختلف اجرایی، قضایی و قانون گذاری نیز تسری یابد و موجب بازنگری اساسی در ساختار این بخش ها در رسیدن به ساختارهایی در تراز و شان جامعه اسلامی برانگیخته شده شود. این امر علاوه بر نیاز حیاتی کشور؛ تا کاستی ها و موانع برطرف گردد و سیر تکاملی حرکت جامعه به سوی تحقق تمدن بزرگ اسلامی شتاب گیرد، از این جهت نیز مهم است که بتواند به عنوان الگویی موفق برای سایر ملت های مسلمان و دیگر آزادی خواهان جهان ددآید و انشاءالله موجب برچیده شدن نظام جاهلی مدرن و استقرار نظاماتی مبتنی بر حق و عدل در جهان گردد.

خبر

در پاسخ به یک شائبه رسانه‌ای

بندبازی سیاسی انگلیس در اقدام علیه سپاه پاسداران

در پی انتشار اخبار مربوط به اقدام اخیر دولت انگلیس علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ایجاد برخی شائبه‌ها و انتقادات رسانه‌ای در خصوص ماهیت حقوقی این تصمیم، بررسی دقیق مفاد اعلامیه وزارت کشور انگلیس و گزارش‌های رسانه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که این اقدام «در عمل هیچ تفاوتی با تروریستی اعلام کردن» (Proscription) این نهاد نظامی ایران ندارد.

به گزارش ایسنا، برخی رسانه‌ها با تمرکز صرف بر تمایزهای فنی-حقوقی، مدعی شده‌اند که انگلیس سپاه را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار نداده است؛ این در حالی است که بر اساس گزارش صریح نشریه انگلیسی گاردین، گام جدید لندن «معادل و هم‌سنگ» ممنوعیت کامل فعالیت یک سازمان تروریستی است.

وزارت کشور انگلیس رسماً اعلام کرده است که حمایت از سپاه پاسداران را ممنوع می‌کند.

نشریه گاردین در تحلیل این رویداد تصریح کرده است که گرچه این اقدام از نظر اصطلاحات پیچیده حقوقی عیناً و لزوماً با عنوان سنتی «تروریستی اعلام کردن» یکسان نیست، اما «در عمل معادل و هم‌عرض با آن است.»

بر اساس این تصمیم دولت انگلیس، از این پس هرگونه حمایت، هواداری یا کمک به سپاه در خاک این کشور جرم‌انگاری شده و پیگرد کیفری جدی به همراه خواهد داشت؛ رفتاری که دقیقاً و عیناً در قبال سازمان‌های مندرج در لیست تروریستی بریتانیا اعمال می‌شود.

به عبارتی، دولت انگلیس برای فرار از تبعات دیپلماتیک سنگین این اقدام از سوی ایران، دست به یک بندبازی حقوقی زده است. به گزارش گاردین، مقامات و کارشناسان پیش از این بارها هشدار داده بودند که اعلام رسمی و حقوقی سپاه به عنوان یک سازمان تروریستی، به دلیل اینکه بخشی رسمی از ساختار نظامی یک کشور محسوب می‌شود، «بلافاصله به قطع کامل روابط دیپلماتیک و اخراج سفیر انگلیس از تهران» منجر خواهد شد. در واقع لندن برای فرار از این بن‌بست دیپلماتیک و در عین حال راضی کردن تندروها در داخل دولت انگلیس، فرمولی را برگزیده که از نظر سیاسی و دیپلماتیک، پنجره تعاملات را کاملاً مسدود نکند تا با واکنش‌هایی از جمله اخراج سفیرش از تهران مواجه نشود، اما از نظر میدانی و عملیاتی، تمام محدودیت‌ها، ممنوعیت‌ها و مجازات‌های مربوط به یک سازمان تروریستی را علیه سپاه اعمال کرده است.

بنابراین، تقلیل این تصمیم بزرگ سیاسی ـ نظامی به یک «بحث فنی متمایز حقوقی» و متهم کردن رسانه‌ها به جریان‌سازی، نادیده گرفتن واقعیت ماجراست.

سرنوشت جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران چه خواهد شد؟

صلح بر بادرفته

آیا بعد از تحولات اخیر از تفاهم‌نامه اسلام آباد اثری باقی مانده‌است؟ آیا بازگشت به این تفاهم می‌تواند واقعاً سرآغاز صلحی پایدار در منطقه باشد، یا تنها وقفه‌ای کوتاه در زنجیره‌ای طولانی از درگیری‌های نیابتی و نظامی است که سال‌هاست خاورمیانه را در آتش نگه داشته است؟

در بدترین سناریو، شکست مذاکرات به تشدید نظامی از سوی آمریکا منجر می‌شود. حملات گسترده به تأسیسات هسته‌ای، زیرساخت‌های نفتی و مراکز فرماندهی ایران، پاسخی قاطع از سوی ایران را در پی خواهد داشت

امضای تفاهم نامه اسلام‌آباد که با میانجی‌گری پاکستان و قطر به امضا رسید، وعده پایان عملیات نظامی در همه جبهه‌ها، بازگشایی تنگه هرمز و آغاز مذاکراتی ۶۰ روزه برای حل و فصل مسائل هسته‌ای را می‌داد. با گذشت زمان مشخص شد که آنگونه هم که تصور می‌شد امضای تفاهم‌نامه توسط دونالد ترامپ به معنای پایان قاطع جنگ نیست. درگیری‌های روزهای گذشته نشان داد که تهران و واشنگتن راه درازی برای حل و فصل آثار به جا مانده از تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران در ۹ اسفند ۱۴۰۴ دارند.

به گزارش خبرآنلاین آنچه در هفته‌های پس از امضای این سند رخ داد، به روشنی نشان داد که مسیر صلح در خاورمیانه همچنان پر از پیچ‌وخم‌های غیرمنتظره و موانع عمیق است اما آیا این توافق واقعاً سرآغاز صلحی پایدار در منطقه خواهد بود، یا تنها وقفه‌ای کوتاه در زنجیره‌ای طولانی از درگیری‌های نیابتی و نظامی است که سال‌هاست خاورمیانه را در آتش نگه داشته است.

سند یک و نیم صفحه‌ای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد اکنون صرفا نوشته‌ای روی کاغذ است که دیگر هیچ یک از بندهای آن اجرا نمی‌شود. تنگه هرمز عملا مجددا بسته‌شده‌است و تحریم‌های نفتی ایران بازگشتند و مذاکرات برای آزادسازی دارایی‌های مسدودشده ایران به جایی نرسید. نزدیک به یک ماه پس از نهایی شدن این سند، نه تنها گام‌های رو به جلوی کافی برای آغاز مذاکرات ۶۰ روزه برداشته‌نشد، بلکه تحولات یک هفته گذشته عملا تمام گام‌های قبلی را هم به عقب برگردند. حال این سوال بیشتر از گذشته تقویت می‌شود که این سند واقعا چه نتیجه‌ای داشت؟

ماهیت تفاهم نامه اسلام‌آباد؛ پیروزی یا تله راهبردی؟

تفاهم نامه اسلام‌آباد در قالب ۱۴ بند، چارچوبی اولیه برای پایان جنگ و آغاز مذاکرات فراهم آورد. بر اساس آن، ایران متعهد شد به مدت ۶۰ روز عبور ایمن کشتی‌های تجاری از تنگه هرمز را تضمین کند و در مقابل، ایالات متحده متعهد به رفع محاصره دریایی، اعطای معافیت‌های صادراتی نفت و آزادسازی بخشی از دارایی‌های بلوکه‌شده ایران شد. اما آنچه این سند را از یک توافق جامع و نهایی متمایز می‌کرد، تعلیق عمدی موضوعات کلیدی مانند برنامه هسته‌ای ایران و موشکی به دور بعدی مذاکرات بود.

بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که این تفاهم نامه بیش از آنکه یک توافق صلح واقعی باشد، نوعی «آتش‌بس تاکتیکی» و موقت برای نفس‌گیری اقتصادی و سیاسی هر دو طرف به شمار می‌رود. ایران که در جریان جنگ متحمل ضربات به زیرساخت‌های نظامی، نفتی و صنعتی خود شده بود، به فرصتی برای بازسازی و جبران خسارت‌ها نیاز داشت.

آمریکا نیز که با افت محبوبیت ترامپ، افزایش قیمت جهانی نفت و فشارهای داخلی روبه‌رو شده بود، به دنبال راهی برای خروج آبرومندانه از باتلاق جنگ بود. اما ابهامات حقوقی و سیاسی متعدد در متن توافق، آن را به یک «تله راهبردی» بالقوه تبدیل کرده است؛ تله‌ای که در صورت عدم مدیریت دقیق، می‌تواند به اختلافات عمیق‌تر و حتی تشدید درگیری‌ها در آینده منجر شود. این ابهامات عمدی، هر دو طرف را در موقعیتی قرار داده که بتوانند در صورت نیاز، از توافق عقب‌نشینی کنند بدون آنکه مسئولیت کامل شکست را بپذیرند.

سناریوهای پنجگانه؛ از خوش‌بینانه تا فاجعه‌بار

بر اساس گزارش‌های تحلیلی و روندهای جاری، پنج سناریوی محتمل برای آینده این تفاهم نامه قابل تصور است که هر کدام پیامدهای متفاوتی برای منطقه و نظم بین‌الملل به همراه خواهد داشت.

سناریوی نخست: تحقق کامل توافق و صلح پایدار

در خوش‌بینانه‌ترین حالت، اگر دو طرف به اجرای تفاهم‌نامه بازگردند، این مذاکرات به توافقی جامع و بلندمدت تبدیل می‌شود. ایران و آمریکا به تعهدات خود به طور کامل عمل می‌کنند، مذاکرات هسته‌ای به نتیجه می‌رسد، تحریم‌ها به شکل معنادار برداشته می‌شوند و دارایی‌ها آزاد می‌گردند. ایران با تزریق منابع مالی به سمت احیای اقتصادی حرکت می‌کند و آمریکا نیز از طریق بازگشایی امن تنگه هرمز و کاهش قیمت نفت، به اهداف خود دست می‌یابد. در این سناریو، اسرائیل هم، هرچند با اکراه، ناچار به پذیرش واقعیت جدید می‌شود و منطقه به سمت ثبات نسبی و همگرایی حرکت می‌کند. اما با توجه به عمق اختلافات تاریخی، بی‌اعتمادی ساختاری و وجود بازیگران تندرو در هر دو طرف، تحقق این سناریو بسیار دشوار و نیازمند اراده سیاسی استثنایی است.

سناریوی دوم: شکست در دستیابی به توافق نهایی

در سناریوی دوم، که با توجه به سابقه مذاکرات پیشین، یکی از محتمل‌ترین گزینه‌ها به نظر می‌رسد، دو طرف علی‌رغم امضای تفاهم نامه، در صورت بازگشت به اجرای تفاهم‌نامه و آغاز شدن مذاکرات هسته‌ای، در مهلت ۶۰ روزه به توافق نهایی نمی‌رسند. مذاکرات به درازا می‌کشد، منطقه در حالت «جنگ سرد» پرتنش باقی می‌ماند، تبادل حملات محدود ادامه پیدا می‌کند و تنگه هرمز با اختلالات گاه‌به‌گاه مواجه می‌شود. این وضعیت، هزینه‌های اقتصادی و نظامی سنگینی را بر همه طرف‌ها تحمیل می‌کند و ناامنی را به عنوان یک ویژگی دائمی منطقه تثبیت می‌نماید.

سناریوی سوم: توافق موقت، اما نه نهایی

در این سناریو، طرفین به یک تفاهم موقت دست می‌یابند که بازگشایی تنگه هرمز و کاهش تنش‌های فوری را به همراه دارد، اما بر سر مسائل اساسی مانند برنامه هسته‌ای و موشکی به بن‌بست می‌رسند. ایران از مزایای اقتصادی بهره‌مند می‌شود ولی تعهدات کلیدی خود را به آینده موکول می‌کند. آمریکا نیز با بهره‌برداری از کاهش قیمت نفت، ممکن است با تداوم وضعیت موجود کنار بیاید. در چنین شرایطی، اسرائیل، که از ابتدا با توافق مخالف بوده، احتمالاً دست به اقدامات یکجانبه در لبنان، سوریه یا حتی مستقیم علیه ایران می‌زند و منطقه را دوباره به سمت تشدید تنش سوق می‌دهد.

سناریوی چهارم: تحول سیاسی پیش‌بینی نشده در ایران

یکی از خطرناک‌ترین سناریوها، وقوع تحولی سیاسی پیش‌بینی نشده در داخل ایران است. در چنین شرایطی ممکن است مخالفان هرگونه تعامل با دشمن روند تماس‌ها را متوقف می‌کند. چنین وضعیتی ممکن است بی‌ثباتی کامل داخلی ایجاد می‌نماید و هرگونه اعتماد بین‌المللی به ایران را برای سال‌ها از بین می‌برد. تهران همواره بر این موضع پافشاری کرده‌است که هرگز جنگ‌طلب نبوده و در مقابل تجاوز دشمنان از خود دفاع کرده‌است و آماده گفت‌وگو و تعامل برای کاهش تنش و بازگشت ثبات و امنیت است. این سناریو، هرچند احتمال وقوعش بسیار پائین است، اما با توجه به اختلاف نظرهای احتمالی در میان سیاستگذاران داخلی، امکان وقوع آن محتمل است.

سناریوی پنجم: بازگشت به جنگ تمام‌عیار

در بدترین سناریو، شکست مذاکرات به تشدید نظامی از سوی آمریکا منجر می‌شود. حملات گسترده به تأسیسات هسته‌ای، زیرساخت‌های نفتی و مراکز فرماندهی ایران، پاسخی قاطع از سوی ایران را در پی خواهد داشت. ایران با بهره‌گیری از توان موشکی و پهپادی خود، اهداف آمریکایی در منطقه و منافع متحدانش را هدف قرار می‌دهد. چنین جنگی تمام‌عیار، پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی برای اقتصاد جهانی، جریان انرژی و ثبات منطقه‌ای خواهد داشت و ممکن است به درگیری‌های گسترده‌تر با قدرت‌های دیگر بیانجامد.

از صلح شکننده تا مدیریت ناپایدار؛ چشم‌انداز آینده

با توجه به عوامل فوق، سناریوهای دوم و سوم محتمل‌ترین مسیرها به نظر می‌رسند. منطقه احتمالاً به سمت «مدیریت ناپایدار» حرکت خواهد کرد؛ وضعیتی که در آن درگیری‌های محدود نیابتی ادامه دارد، تنگه هرمز همواره پرریسک است و هر کوچک می‌تواند به آتش بزرگ بدل شود. آنچنانکه تحلیلگران مؤسسه صلح ایالات متحده تأکید دارند که «آتش‌بس، جنگ را متوقف می‌کند، اما صلح را تضمین‌نمی‌کند.»

در مجموع، جنگ صدروزه هرچند خسارت سنگینی به ایران وارد کرد، اما نشان داد این کشور ظرفیت مقاومت در برابر فشار حداکثری را دارد و می‌تواند با اهرم تنگه هرمز، اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار دهد. این دستاورد، اهرم مذاکراتی ایران را تقویت کرده است. در مقابل، آمریکا بخش زیادی از اهرم فشار خود را از دست داده و اسرائیل ممکن است به «تک روی راهبردی» روی بیاورد که خطرناک‌ترین تهدید برای ثبات منطقه است.

تفاهم نامه اسلام‌آباد، با وجود دستاوردهای کوتاه‌مدت مانند کاهش تنش فوری و گشایش اقتصادی محدود، به تنهایی نمی‌تواند صلح پایدار در خاورمیانه ایجاد کند. این سند در واقع آتش‌بس موقت با چشم اندازی پرابهام است که با چالش‌هایی مانند مسئله هسته‌ای، نقش اسرائیل، اختلافات بر سر تنگه هرمز و تنش‌های داخلی هر دو طرف روبه‌رو است.

شواهد حاکی از حرکت منطقه به سمت «مدیریت ناپایدار» است؛ جایی که جنگ تمام‌عیار متوقف شده، اما صلح واقعی هنوز بسیار دور از دسترس به نظر می‌رسد. در نهایت، سرنوشت این تفاهم نامه بیش از هر چیز به اراده سیاسی واقعی دو طرف برای عبور از منافع کوتاه‌مدت و پذیرش هزینه‌های لازم برای صلح پایدار بستگی دارد. بدون چنین اراده‌ای، احتمال بازگشت به تنش و حتی جنگ، همچنان بالا خواهد ماند.

سخنگوی وزارت امور خارجه:

آمریکا تصمیم‌گیر مطلق نیست

سخنگوی وزارت خارجه درنشست خبری با رسانه های داخلی و خارجی در پاسخ به پرسش نورنیوز پیرامون نگاه ابزاری آمریکا به توافق برای تغییر موازنه میدانی، ضمن تأیید سابقه پیمان‌شکنی واشنگتن تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران با اشراف کامل و هوشیاری، دیپلماسی را ابزاری برای صیانت از منافع ملی خود قرار داده است و آمریکا تصمیم‌گیرِ مطلق نیست .

به گزارش نور نیوز سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست خبری امروز با رسانه های داخلی وخارجی در پاسخ به پرسش «نورنیوز» درباره اینکه با توجه به نقض عهدهای مکرر آمریکا از ابتدای امضاء یادداشت تفاهم، آیا اکنون می شود گفت که آمریکا چون گذشته از ابتدا به موضوع آتش بس و تفاهم به عنوان ابزاری برای تغییر معادلات میدانی و آغاز دوباره جنگ در شرایط تغییر موازنه نگاه می کرده تأکید کرد که در معادلات جاری، آمریکا تنها تصمیم‌گیر و تعیین‌کننده‌نیست.

بقایی با پذیرش اینکه ماهیت پیمان‌شکنانه آمریکا بر کسی پوشیده نیست، تصریح کرد که جمهوری اسلامی ایران بر اساس مصالح و منافع ملی خود و با علم به این بدعهدی‌ها، تصمیم گرفت از ابزار دیپلماسی برای صیانت از امنیت ملی استفاده کند و این مسیر با آگاهی کامل و هوشیاری طی شده است. او افزود که اگرچه آمریکا همواره در پی پیاده‌سازی دسیسه‌های خود بوده، اما این تصور که ایران در برابر این اقدامات دست‌بسته است، کاملاً غلط است؛ چرا که تهران پیش‌تر نیز با آگاهی از ماهیت این فرایند گام برداشته است. وی در پایان خاطرنشان کرد که جمهوری اسلامی ایران در ادامه مسیر، با تکیه بر اقتضائات شرایط و متناسب با عملکرد طرف‌های مقابل، تصمیمات لازم را اتخاذ خواهد کرد و اجازه نخواهد داد تفاهم‌نامه به محملی برای تغییر یک‌جانبه موازنه به نفع دشمن تبدیل شود.

در برابر بدعهدی آمریکا، تعهداتمان را متوقف می‌کنیم

سخنگوی وزارت امور خارجه در تبیین وضعیت توافقات با طرف آمریکایی، ضمن رد ادعای هرگونه پیش‌دستی ایران در نقض تفاهمات، بر رویکرد اصولی و مسئولانه جمهوری اسلامی در تمامی مذاکرات تاکید کرد. وی با بیان اینکه ایران همواره با حسن نیت و با هدف تامین منافع ملی وارد گفت‌وگوها شده، یادآور شد که سابقه طرف مقابل در پیمان‌شکنی و عدم پایبندی به تعهدات، به‌ویژه در اجرای مفاد یادداشت تفاهم که حتی در بازه زمانی کوتاه یک‌ماهه نیز توسط آمریکایی‌ها نقض شد، کاملاً مشهود است. بقایی با تصریح بر اینکه مستندات کافی برای اثبات بدعهدی طرف آمریکایی در تمامی بندهای توافق وجود دارد، به صراحت اعلام کرد که سیاست جمهوری اسلامی مبتنی بر اقدام متقابل است؛ بدین معنا که مادامی که طرف مقابل به تعهدات خود پایبند باشد، ایران نیز به تکالیفش عمل می‌کند و در صورت استمرار نقض عهد از سوی واشنگتن، تهران نیز دلیلی برای استمرار تعهدات یک‌جانبه نمی‌بیند. او در پایان با تاکید بر غیرقابل قبول بودن اتهام نقض عهد به ایران، مسیر آینده را در گرو بازگشت طرف مقابل به تعهدات قانونی‌اش دانست و خاطرنشان کرد که جمهوری اسلامی با جدیت از حقوق ملت خود در برابر کارشکنی‌ها دفاع خواهد کرد.

ادعای توافق ایران درباره هرمز صحت ندارد

سخنگوی وزارت امور خارجه ادعاهای مطرح‌شده درباره توافق ایران بر سر هرمز را رد کرد و آن را بخشی از فضاسازی آمریکا دانست. او گفت مذاکرات فقط در چارچوب یادداشت تفاهم انجام شد و ایران تلاش داشت از مسیر گفت‌وگو به راه‌حل برسد، اما این روند به‌دلیل فشار آمریکا بر عمان به نتیجه نرسید. بقایی تاکید کرد در مسقط درباره هیچ موضوع دیگری مذاکره نشده و این ادعاها مطلقا بی‌اساس است.

ابعاد غافلگیری آمریکا در برابر ابتکارات عملیاتی جدید ایران بررسی شد

معمای سکوت آمریکا پس از حملات ایران

غییر بانک اهداف ایران در دور جدید درگیری‌ها، معادلات آمریکا را برهم زد و دامنه پاسخ تهران را به شبکه پایگاه‌های واشنگتن در منطقه کشاند. اگرچه گزارش‌های مستندی از تلفات جدید نیروهای آمریکایی منتشر شده، اما سکوت کاخ سفید پرسش‌برانگیز است؛ سکوتی که بیش از آنکه نظامی باشد، ریشه در محاسبات سیاسی و نگرانی از تبعات داخلی برای دولت ترامپ دارد.

دور جدید درگیری میان ایران و آمریکا تنها ادامه یک رویارویی نظامی نیست؛ این مرحله، نشانه ورود دو طرف به سطح جدیدی از مقابله است. مهم‌ترین ویژگی این مرحله، تغییر محسوس رویکرد ایران در نحوه پاسخگویی به تجاوزات آمریکا است. اگر در مراحل اولیه پس از آتش بس، پاسخ‌های ایران عمدتاً بر اهدافی متمرکز بود که امکان کنترل دامنه بحران را فراهم می‌کرد، اکنون دایره اهداف به پایگاه‌های آمریکا در چند کشور منطقه گسترش یافته است؛ تغییری که نشان می‌دهد تهران بخشی از ملاحظات اولیه خود را کنار گذاشته و در پی انتقال مستقیم هزینه‌های جنگ به شبکه عملیاتی و پشتیبانی آمریکا در غرب آسیاست.

همین تغییر، موجب تغییر درمحاسبات واشنگتن شده است. آمریکا انتظار داشت در صورت ازسرگیری درگیری، الگوی پاسخ ایران مشابه گذشته باشد، اما هم‌زمانی حملات به چندین پایگاه جدید و حتی ناشناخته و همچنین گسترش جغرافیای اهداف، نیروهای آمریکایی را در وضعیتی قرار داده که دست‌کم از منظر عملیاتی با غافلگیری مواجه شدند. غافلگیری در یک جنگ مدرن، صرفاً به معنای عبور چند موشک از سامانه‌های دفاعی نیست؛ بلکه نشان‌دهنده شکست در برآورد نیت، زمان و دامنه اقدام طرف مقابل است. همین مسئله، مهم‌ترین پیام راهبردی دور جدید درگیری محسوب می‌شود.

در چنین شرایطی حملات ایران موجب وارد کردن تلفات غیر منتظره له نیروهای آمریکایی شده است. رخدادی که بسیاری از منابع محلی و حتی رسانه های غربی آن را تایید کرده اند. اما اکنون پرسش اصلی آن است که چرا واشنگتن تاکنون از اعلام رسمی جزئیات و تعداد تلفات خودداری کرده است؟ پاسخ را باید بیش از آنکه در میدان نبرد جست‌وجو کرد، در فضای سیاسی آمریکا یافت.

آغاز جنگ با تصمیم کاخ سفید و با این تصور انجام شد که برتری نظامی می‌تواند ایران را به پذیرش خواسته‌های سیاسی واشنگتن وادار کند. اما نتیجه مرحله نخست از منظر تحقق اهداف اعلامی، با انتظارات اولیه فاصله معنی دار داشت و عملا می توان از آن به عنوان شکست آمریکا نام برد. بسیاری از تحلیلگران و رسانه‌های غربی نیز بر این نکته تأکید کردند که استفاده از قدرت نظامی الزاماً به معنای تحمیل اراده سیاسی نیست و آمریکا نتوانست برتری نظامی را به موفقیت راهبردی تبدیل کند. همین موضوع، ترامپ را در برابر منتقدان داخلی، رسانه‌ها و بخشی از نخبگان امنیتی آمریکا در موقعیت دشواری قرار داد.

در چنین فضایی، برقراری آتش‌بس و شکل‌گیری تفاهم میان طرفین می‌توانست فرصتی برای خروج از بحران باشد؛ اما بازگشت دوباره واشنگتن به مسیر تقابل، بدون دستیابی به اهداف مرحله نخست، به معنای پذیرش ریسک‌های جدید بود. اگر اکنون تلفات انسانی نیز به این هزینه‌ها افزوده شده باشد، دولت ترامپ با انباشت بدهی سیاسی روبه‌رو خواهد شد؛ بدهی‌ای که پاسخ به این پرسش را دشوارتر می‌کند که چرا جنگی که قرار بود قدرت آمریکا را به نمایش بگذارد، به افزایش هزینه‌های انسانی و امنیتی این کشور منجر شده است.

از همین منظر، سکوت واشنگتن درباره آمار تلفات، صرفاً یک تصمیم رسانه‌ای نیست؛ بلکه بخشی از مدیریت بحران سیاسی است. اعلام رسمی تلفات، روایت برتری آمریکا را مخدوش می‌کند، مخالفان ترامپ را برای زیر سؤال بردن تصمیمات او جسورتر می‌سازد و مطالبه برای بازنگری در راهبرد کاخ سفید را افزایش می‌دهد. در مقابل، تأخیر در انتشار اطلاعات یا مدیریت روایت، زمان لازم را برای کنترل تبعات سیاسی فراهم می‌کند.

با این حال، مسئله اصلی تنها تعداد کشته‌ها نیست. اهمیت واقعی تحولات اخیر در آن است که ایران با تغییر مبتکرانه و هوشمندانه بانک اهداف، معادله هزینه و فایده را برای آمریکا دگرگون کرده است. اگر تا دیروز تصور می‌شد جنگ در محدوده‌ای قابل پیش‌بینی باقی خواهد ماند، اکنون شبکه استقرار نیروهای آمریکا در منطقه نیز به بخشی از معادله بازدارندگی تبدیل شده است. این تحول، صرف‌نظر از آمار دقیق تلفات، مهم‌ترین پیام دور جدید درگیری‌هاست؛ پیامی که نشان می‌دهد در جنگ‌های امروز، گاهی سکوت یک دولت درباره خسارت‌هایش، خود گویاترین نشانه از عمق تغییر موازنه است.

اخبار

سخنگوی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا:

اجازه دخالت آمریکا در مدیریت تنگه هرمز را نمی‌دهیم

سخنگوی قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا تاکید کرد: پیرو هشدارهای قبلی به هیچ عنوان به آمریکا اجازه دخالت در مدیریت تنگه هرمز را نمی دهیم و نخواهیم داد.

به گزارش ایرنا، سرهنگ دوم پاسدار ابراهیم ذوالفقاری روز دوشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۵ اظهار کرد: ماجراجویی‌ها و شرارت های مکرر آمریکا برای دخالت در مدیریت تنگه هرمز، امنیت منطقه، تجارت بین‌المللی و عبور و مرور کشتی‌های نفتکش و تجاری را به‌طور جدی به مخاطره انداخته است و متأسفانه همکاری برخی کشورهای منطقه نیز موجب شده، خطر گسترش جنگ در سراسر منطقه، افزایش یابد.

وی تاکید کرد: بر این اساس اعلام می‌شود پیرو هشدارهای قبلی به هیچ عنوان به آمریکا اجازه دخالت در مدیریت تنگه هرمز را نمی دهیم و نخواهیم داد.

سخنگوی قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا یادآور شد: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با هرگونه اختلال و ناامنی برای عبور و مرور کشتی‌های تجاری و نفتکش توسط ارتش متجاوز و راهزن آمریکا خارج از مسیر تعیین شده ایران و بدون مجوز نیروی مسلح با شدت برخورد می کند و اقدامات قدرتمند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران در ایام گذشته شاهدی بر این ادعا می باشد.

سرهنگ ذوالفقاری تاکید کرد: به سران کشورهای منطقه، هشدار داده می‌شود که هرگونه همکاری با آمریکا و پشتیبانی لجستیکی از ارتش متجاوز آن کشور، به منزله جنگ علیه حاکمیت و امنیت ملی ایران تلقی گردیده و در صورت گسترش جنگ در منطقه شعله‌های آتش جنگ، دامن تمام کشورهای منطقه را فرا خواهد گرفت.

وی گفت: مسئولیت همه ناامنی ها و گسترش جنگ در منطقه، متوجه آمریکا و کشورهایی است که با ارتش جنایتکار آن کشور، همکاری می‌کنند.

محسنی‌اژه‌ای:

دستگاه قضایی مسئول مستقیم مبارزه با فساد و محاکمه و مجازات مفسد است

رئیس قوه قضاییه گفت: ما در مسیر خطیر مبارزه‌ی همه‌جانبه و حرفه‌ای با فساد، دست خود را به سوی همه بخش‌های ذی‌صلاح دراز می‌کنیم و معتقدیم مقابله با پدیده‌ی شوم فساد، تکلیفی است که بارِ آن بر دوش تمام ارکانِ حاکمیت سنگینی می‌کند.

به گزارش ایسنا به نقل از مرکز رسانه قوه قضاییه، حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژه‌ای، طی سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضاییه، ضمن قدردانی مجدد از ملت مبعوث‌شده جهت حضور ده‌ها میلیونی در مراسمات وداع و تشییع پیکر مطهر امام شهید، اظهار کرد: حضور چندین میلیونی و پرعظمت ملت مبعوث‌شده ایران و احرار و آزادگان جهان از جمله مردمان شریف عراق، لبنان و پاکستان در مراسمات وداع و تشییع پیکر مطهر امام شهید (قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه) به مثابه یک رفراندوم پُرشکوه و یک اعلام وفاداری مجدد نسبت به آرمان‌های انقلاب اسلامی بود. مردم مبعوث‌شده با این حضور پرشور و شعور خود در تشییع پیکر مطهر امام شهید، با خلف صالح ایشان، رهبری معظم انقلاب، تجدید بیعت کردند و متعهد شدند که ثابت‌قدم و استوار در صراط مستقیم امامین انقلاب بمانند.

رئیس عدلیه عنوان کرد: یکی از اولویت‌های اصلی ما در دوره اخیر همانند دوره پیشین، مبارزه‌ی مجدانه، تخصصی و همه‌جانبه با فساد و مسدود کردن گلوگاه‌های فسادزا است. البته این امر به معنای بی‌اعتنایی به فرد مُفسد نیست؛ قطعاً و بدون‌تردید مفسدین با نهایت قاطعیت، وفق قانون، محاکمه و مجازات می‌شوند؛ لکن آنچه اولویت دارد، پیشگیری از وقوع فساد با سد کردن سرچشمه‌های فساد است.

قاضی‌القضات، مبحث مقابله با فساد درون‌قوه‌ای را بسیار پراهمیت دانست و خاطرنشان کرد: ما در قوه قضاییه مسئول مستقیم مبارزه با فساد و محاکمه و مجازات مفسد هستیم؛ بنابراین اگر در مجموعه خودمان لغزش داشته باشیم کارمان بسیار سخت می‌شود.

نمی‌شود خودمان گرفتار لغزش باشیم و بخواهیم دیگران را هدایت و یا مجازات کنیم.

رئیس قوه قضاییه افزود: با عنایت به شرایط حساس موجود در کشور، چنانچه کسانی در دستگاه‌های حکومتی و حتی خود قوه قضاییه به فساد گرایش پیدا کنند و یا در پیشبرد امورات مردم تأخیر و تعلل را جایز بدانند، مطمئن باشند که مورد بخشش قرار نمی‌گیرند و در نهایت قاطعیت و منطبق با قانون، با آنها برخورد خواهد شد.